

# نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲ - تیرماه ۱۳۵۵

## پیروزی باد مبارزه طبقه کارگر

پس از دستمزدهای عادلانه

سال سابقه خدمت دارند و از مهارت شفلی کافی برخوردار می باشند محققاً ماهانه شان از ۷۰ تومان در ماه به زحمت تجاوز می کند . به عبارت دیگر اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان بقیه در صفحه ۲

### در این شماره

- ۱- پیروزی باد مبارزه طبقه کارگر ایران برای دستمزدهای عادلانه
- ۲- خلق همان بنبرود حق البانیه خود علیه تجاوزکاران ادا می دهد
- ۳- نهتست حقوقی فدایی بجای آن در جنبش همبومی و موکراتیک و - میهنی خلق
- ۴- عجم و حشمانه ساواک به قصد کشتار مخالفین
- ۵- اعتصاب پرلینین کارگران چیت سازی تهران
- ۶- باز هم شاه اسلحه می خورد
- ۷- لایحه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۸- وضع کارگران در جنوب کرمان
- ۹- وضع اسفند بار کارگران سنتسی
- ۱۰- دوگزارش از شرایط زندگی و مبارزات کارگران دوب آسن اصفهان
- ۱۱- سرود ریوستن شعری از خسرو گسرخ
- ۱۲- رویدادها

دست در هم تجاوزگر شاه

از ظفار کوتاه!

## خلق عملن

به نیروی حق البانیه خود علیه تجاوزکاران ادا می دهد

دو سال و چند ماه از تجاوز و وحشیانه حکومت ایران به خاندان ارشد ارتش که مقامات ارشدی ایران در مراسم یادبود گشته شدگان ارتش که در سال بر پا می شود اقرار کرده اند که شصت نفر از سایر روزنامه نویسان و خبرنگاران علاوه بر این ۱۰۰ در حدود صد و شصت نفر هم در نزد دار از پای درآمده اند. بدیهی است که شماره واقعی گشته شدگان خیلی بیش از این است. حکومت ایران مدت دراز تر تجاوز ارتش ایران را به عمان پنهان کرد و وقتی دید بیرونی بر نیس آزادی بخش خلق عمان به ایمن زودی با امان پذیر نیست و کار به درازا کشید ، ناچار به دستگاه ای تبلیغاتی خود اجازه داد که مدائله نظامی ایران را در عمان فاش کنند منتها به آن صورت حق به جانب بدهند ، روزنامه های مزدور آنجا گردنکده قاپوس از ایران و استارک شده تا مشتق شهرشیمان و شمر اگه می خوانند تنگ رمز راه خطر انداز سرکوب کنند و از منافق مردم ایران دفاع نمایند .

به دنبال افشای تجاوز ایران به عمان مرتباً اخباریایان کار سرکوب شهرشیمان و تشکرات سلطان قاپوس از دولت ایران صفا روزنامه اراکیر کرد ، امامیزان تازه بد تازه نیروی ارتشی رسیدن ا بارناگوار مرتضی افسران و سرایان به خانواده عمان آنجا سربازان زدن پاره ای از افسران بقیه در صفحه ۲

بر عایی که از سر اسر کشور می رسد حاکی از آن است که کارگران و زحمتکشان که از ناچیز بودن حقوق و دستمزدها در مقابل هزینه گزینگی زندگی به جان آمده اند و به خاطر به دست آوردن حق مسلم و پیمان شده خویش به پا خاسته اند . اما این مبارزه عادلانه و قانونی موجب عکس العمل خشن و بی شرمانه شاه دیکتاتور گردیده و تمام دستگاه تضییق و فشار دولت و در اس آن سازمان جنایتکار امنیت برای سرکوب جنبش کارگری به خدمت گرفته شده است البته در قانونی بودن و عادلانه بودن مبارزه کارگران عمیق گونه تردید نمی آید وجود داشته باشد . ننانی مختصر به ساحت دستمزدها در کشور و تقایم آن با هزینه زندگی که در آن هزینه مسکن و خوراک و پوشاک و درمان جای ویژه را دارد ، برای اثبات این واقعیت کافی است .

در نخستین روزهای فروردین ماه سال جاری شورای عالی کار زیر فشار کارگران بالاخره مجبور به تجدید نظر در حداقل دستمزدها شد و بایک افزایش تقریباً مقطوع دو تومانی نسبت به دستمزدهای سال گذشته کوشید مسئله را خاتمه یافته جلوه دهد . اینک در مذاقات یک کشور حداقل دستمزدها ۱۵۲ ریال و در مذاقات دو برابر ۴۱ ریال است . مختصاً بسیاری کارفرمایان سود جو با تهاقی وزارت کار ترتیبی داده اند که این حداقل دستمزدها تقلید تا باشد به کارگزاران تازه کار و غیر مارتعلق گیرد ، عملاً دستمزدها و حقوق اکثریت کارگران را تشکیل می دهد . در بسیاری از کارخانه ای بزرگ کشور حتی کارگرانی که چندین

لقب عمان ... بقیه از صفحه ۱  
 افرادی به جنکیدن با مردمی که در خاک همین خود برای  
 استقلال و آزادی خویش در شرایط بسیار دشوار نیروی  
 کنند و اسیر شدن کسانی مانند اشرفیان که گونگسی  
 لغزاف افراد ارتش را به عمان تان و افسانه بودن دروغ تا  
 شاه دار حکومت ایران را چنین بر این که مشتق شورش و جنس  
 تنگ بر مزو اضیت خلیج را به خطر انداخته اند و بر ملا  
 ساخته اند و سرانجام مقاومت و لیاقت خلق عمان که نیرو  
 رزمی و جهاد خلق برای آزادی عمان مبارزه می کند و  
 نبرد او علیه نیروهای متجاوز ایران و انگلستان و اردن  
 و ارتش مزدور قابوس عمان نشان داده دارد همه این ها  
 نشان داد که تجاوزگران خارجی تا کون نتوانسته اند  
 به اهدافی خود برسند .

در واقع اهدافی حکومت پدید آور ایران سرکوب  
 جنبش آزادی بخش در عمان و تصرف عطلی این کشور و کتک  
 به بقای نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم  
 انگلستان و امریکه در عمان و کناره دریای آن که جنبش از  
 نقشه وسیع استقرار پایگاه های نظامی امپریالیسم امریکه  
 و به اورکلی سازمان اتلانیتیک شمالی در اقیانوس هند  
 و خلیج فارس است و نشان دادن شایستگی حکومت  
 استبدادی و محمدرضا شاه در ایقای نقش زاندارم منطقه  
 و داشتن مقام زبیری در خلیج بود و هنوز هم می باشد  
 اما جریان حوادث نشان داد که رسیدن به این

اهداف با کارآسانی نیست و تیرا اولاً رزندگان عمان با  
 وجود تمام مشکلات تا کون ایستادگی دلیرانه ای کرده اند  
 و نبرد را با سر سختی تمام ادامه می دهند و ثانیاً تهدید  
 ها و تجاوزاتی که نیروی متجاوز ایران به جمهوری -  
 دموکراتیک یمن برای خودداری از کتک به رزندگان عمان  
 کرد نیز موثر نیافتاد و ثالثاً دولت مستقیم ایران در امر  
 داخلی عمان و نفوذ همه خلق های عرب و در درجه  
 اول خلق های عرب خلیج را علیه حکومت متجاوز ایران  
 برانگیخت و رابحاً بخشی از دولت های عربی منطقه  
 خاورمیانه نیز از تجاوز نیروی ایران در عمان و در نزدیکی  
 مرزهای آنان ناخشنود شده اند و قابوس رانیر فشارت قرار  
 داده اند که عذر ارتش ایران را بخواهد . از جمله بایک  
 عربستان سعودی را نام برد که ارتش ایران در بخش  
 مهمی از عمان تاورزای آن کشور پیشرفته است . عربستان  
 سعودی که خود مدعی ربری در خلیج است از وسیع  
 موجود ناراضی است و تا کون کوشش های دولت ایران برای  
 متقلد کردن این کشور به قبول و تایید تمرکز نیروهای  
 ایران در عمان بی نتیجه ماند . بدیهی است که ناخشنودی  
 دولت های نظیر عربستان سعودی از وجود نیروهای  
 ایران در عمان نه به خاطر آزادی بخش  
 عمان است و بلکه به علت رتایت با ایران در مسئله  
 رزمی خلیج از سویی و امتزاج خلق های عرب به وضع  
 موجود از سوی دیگر است .

شاه ایران که از درک تحول سریع اوضاع جهان  
 بسود جنبش های خلقی و تغییر تناسب قوا به سود  
 صلح و سوسیالیسم و دموکراسی و به زبان امپریالیسم  
 عاجز است و ما چرا و بیانه به پشتیبانی امپریالیسم دست  
 به این گونه اقدامات تجاوزکارانه می زند . ولی تردیدی  
 نیست که سرانجام این بلند پروازی ها جز شکست و ناکامی  
 چیز دیگری نخواهد بود .

شاه خیال پرور با صرف ۱۰ میلیارد دلار در آمد  
 کشور در راه تسلیحات و کتورتیک ارتش تجاوزکار و با  
 این تصور باطل که پشتیبانان امپریالیست او قادر به هر  
 کاری هستند و دست به یک سلسله ماجراها زد که از جمله  
 تجاوز به مرزهای عراق و تهدید به تصرف بلوچستان  
 پاکستان و لغزاف ارتش به عمان .

در مورد اول کنگدن به سینه خود و به هدفی برای  
 خود نرسید . در مورد عمان هم چنین خواهد شد . ارتش  
 ایران باید خاله این کشور را ترک کند . درجه در این کار  
 تاخیر شود به زبان بیشتر مردم ایران و موجب تشدید تنگ  
 و نفرتی است که هم اکنون در جامعه کشورهای عربی  
 نسبت به حکومت تجاوزکار ایران وجود دارد .

نقل از روزنامه مردم ، ارگاس  
 کمیته مرکزی حزب توده ایران ،  
 شماره ۱۵۴

بصورت باد مبارزه طبقه کارگر ... بقیه از صفحه ۱  
 شامل در میهن ما بین ۲۰ تا ۲۵۰ تومان در ماه حقوق  
 می گیرند . حدود نیمی از این حقوق برای کرایه اتاقی سه  
 نام مسکن می رود و بقیه باید هزینه رفت و آمد مخوراک و  
 پوشاک و درمان و آموزش تمام خانواده را تامین کند .  
 بیروشن است که تقریباً تمام خانواده های کارگری با  
 وضع کنونی درین دست واقف هستند و در هر فقره به سر  
 می برند و و پایه وسوسه مبارزه کارگران را برای دستمزد  
 و حقوق عادلانه تر وجود این مرز غیر قابل تحمل تشکیل  
 می دهد . اما جنبش کنونی کارگری در میهن ما با دشمنی  
 جنایتکار و قبیح و بی لحتنا به ابتدایی ترین حقوق روبرو  
 است و اگر بسته به شرایط روز با ۵۰ شکاری از تمام  
 امکانات خود استفاده نکند بسیار امکان خواهد داشت آن  
 را سرکوب نمایند .

نکته عمده این است که توده های وسیع کارگر و  
 زحمتکن تا آن جا که مکن است به هر دسته بیمنی و متسلط  
 برای تحقق خواست های خود مبارزه کنند . باید آن  
 جهان راست ایی را مطرح کرد که در واقع بیان کنند  
 در مشترک تمام کارگران یک کارخانه و کارگاه باشد که  
 به از جان و دل از آن پشتیبانی کنند . در شرایط  
 موجود با حوصله و پشتکار و کار تو میجی لازم می توان کارگران  
 این کارخانه یا آن کارگاه را برای تحقق خواست های  
 معین و مشخص متحد کرد .

# نهیست مترقی مذهبی

و جای آن در جنبش موسی و سکرانیک و صهی خلی

شعبه‌ری ترکیب یافته که گروه مذمبی مترقی در آن جسای شایسته ای خویش را دارد. مردم ایران شامه‌ند که صدای از برجسته ترین رهبران مذمبی طایفه سیاست‌های صهی فریضانه درو دسته شاه و طایفه خودسوی‌ها ویی قانونی‌های ساواک و طایفه فساد و تباهی نابودکننده‌های که این رژیم در صهی ما می‌گستراند و حکم کرده‌اند. مردم شامه‌ند که مراکز مذمبی و حوزه‌های طایفه به مراکز نبرد و حق طایفه بدل شده و وجود آن پرشوری که از اندیشه‌های مساوات‌طلبانه عدالت‌خواهی و پاکیزگی اخلاقی اسلام‌الهام می‌گیرند گام درجاده نبرد نهاده و چه بسا که به مقام شهادت می‌رسند.

ماهیت رژیم حاکم بر کشور و سیاست‌های سرکوب‌کننده مخالفان و تجاوزگر و تباهی‌آور آن خود موجب تقویت نهیست مترقی اصلا می و رشع‌های شدن آن می‌گردد. در واقع اگر قشری از روحانی‌نمایان وابسته به ساواک و تشنه بطل‌اند و در نقطه مقابل آنان در صهی ما قشری از مذمبین مترقی پیدا شده و تشکل یافته و نفوذ فزاینده می‌یابند که مذمب‌ها در ظواهر خرافی آن خلاصه‌منی‌کنند بلکه دسته اصلی آن را بر حسب سنت‌نامه عقاوم و مبارزیه مذمب‌شیمه چون علی و حسین نهضی مبارزه و جهاد در راه عقیده مصلیه ظلم و فساد و طایفه دست‌نشانده‌گی و خاکساری می‌دانند. اینان همانند طایفه و حسین و با الهام از ایثار فراموش‌نشده‌ی آنان فکر جهاد و نبرد می‌بندند و خطرات و صدمات این نبرد را به جان می‌خرند تقیه و تسلیم را در برابر جابر و زورگرو فاسد جایز نمی‌شمرند. بسیاری در صهی پرستان معتقد به مذمب‌که سنسن و سکرانیک در اسلام و به طور عام و در تشیع به به ویژه و راجحه‌منه‌نوده و آموزش آن‌را به یک ایدئولوژی می‌کار جوینان بدل می‌کنند و بر این اساس فکری به نام آوردی رژیم مذملی و ضد سکرانیک شاه می‌روند و تاجایی که برخی از آنان حتی بین اصول آموزش اسلام و مارکسیسم تناقضی نمی‌بینند. همه این دستجات در عمل در صف خلق قرار می‌گیرند و به سود خلق و به سود حقیقت می‌روند. در واقع امروز دیگر روز و عمل معتقدان به مذمب در صهره اجتماع در قید و بند نیات و اهداف طبقات استثمارگر و هیئت حاکمه و آن کسانی که می‌خوانند از این معتقدات به سود افراش تشکل‌هایتی خویش صوه استفاده کنند محصور نمی‌ماند.

حالا دیگر مرز بین افراد جامعه را نه مذمب و معتقدات دینی بلکه منافع طبقاتی و خواست‌های اصل مصلی اجتماعی و طبقاتی تعیین می‌کنند. از این روایت‌کننده می‌بینیم در صهر ما و ونه فقط در ایران بلکه در صهره جا در مقابل دشمن مشترک و یعنی امپریالیسم و ارتجاع همه

جنبش موسی خلق ایران طایفه استبداد خونین محمد رضاشاهی و طایفه سلطه امپریالیسم و غارت‌مپین ما و صهی خالهر آزادی و استقلال و بهیروزی از گردان‌ها و نوری‌ها

صطله مهم دیگر هیستکی کارگران است. مثلا فرق است بین این که کارگران یک کفرخانه برای افزایش دستمزد و بهیروزی شرایط کار و زندگی خود دست به مبارزه بزنند و یا این که کارگران تمام کارخانه‌های تهران برای تحقق این خواست صهی به پا خیزند. زمینه کنونی برای تحقق این هیستکی نیز بر اثر سیاست غلط اقتصادی و شکست‌های وی در صهی رژیم شاه برای غلبه بر بحران اقتصاد و کنوسی وجود دارد. به دنبال کشکن‌هایی که میان دستگاه دولت و مصلحه کارگران از مدت‌ها پیش وجود داشته و روز چه‌چهارشنبه ۲۹ بهیشت مجیدی و رئیس سازمان برناضو بودجه و دستمزد‌های کارگران ساختمانی را که دولت بر اساس آن‌ها به مصلحه کارگران پول می‌پردازد اعلام کرد. در ایسن فهرست برای کارگرساده ساختمانی روزی می‌تومان و سرفا بقیه به ترتیب سهیل می‌نجاه شخصتا صد و بیست تومان برای آرماتوری شخصص بهیست‌مینی شده است. وقتی خود دولت می‌تومان مزد روزانه را برای کارگر ساختمانی بهیست می‌شناسد و آیا می‌توان کارگران را واداشت که در کارخانه‌ها با نصد آن کارکنند؟ چه بجز می‌شود که مزد یک جوشکار نزد مصلحه کار هفتاد تومان و در کارخانه کمتر از نصف آن باشد؟ وقتی یکی از مسئول ترین ارگان‌های دولت اعتراف می‌کند که دوران دستمزد ای پانزده تومانی سه‌ری شده و خود تن‌تا صد و بیست تومان مزد روزانه برای کارگر ساختمانی به مصلحه کار می‌پردازد نمی‌توان سیاست شاه را به کارگران کارخانه‌ها تحمیل کرد و کوچک ترین افزایش مزد پانزده تا بیست و پنج تومانی آنان را به باصلاح بهیروزی کاره یعنی تشدید بهره‌کنشی وابسته کرد و توجه نداشت که گرا به یک اتاق سیمه تومان و صیب و زینتی و پیاز گیاهی پنج تومان است.

مبارزه کنونی کارگران برای افزایش دستمزد ما ناشی از توقعات زیادی نیست بلکه از شرایط طاقت‌فرسای زندگی ناشی می‌شود. اگر این مبارزه به راستی همه‌گیر و سازمان یافته باشد سرکوب آن برای شاه و دولت امکان پذیر نخواهد بود.

" سرمله نیروی است‌جهانی. بر سر ای و بهیروزی بر این نیرو اتحاد جهانی کارگران و برادری آنان در قیاس جهانی است."  
لنسن

زحمتکشان و ترقی خواهان، علم از ظلمی و غیران علم از کمونیست یا مسیحی، مارکسیست یا سلطان و - سوسیالیست یا بودایی، صرف نظر از تفاوت های ظاهری و مسلکی، خود دست پراندی و عجزی می دهند.

مسئله همکاری و پیوند بین مذهب و مارکسیست اینک دیگر در قیاس جهانی یک مسئله روز شده و وجه مشخصه نیروی ها و وحدت عمل های پرشوری را تشکیل می دهد.

در نیروی های بزرگ تاریخی، عدم امپریالیستی زمان ما نظیر نیروی خلق های هند و چین و خلق فلسطین و چین در مبارزات بزرگ انقلابی نظیر آنچه در فرانسه، ایتالیا و اسپانیا می گذرد نمونه های درخشانی از وحدت عمل میان مارکسیست ها و مذاهب به چشم می خورد.

برقراری کمونیسم، این ایده تئورزی امپریالیستی شکست خورده و مغرور می شود، وحدت عمل بین مارکسیست ها و مذاهب به خاطر اهداف مشترک علیه دشمن مشترک محکم تر و اصولی تر می شود. در کشورمان نیز بر قدر تبلیغات نمد توده ای و اتهامات دروغین دستگاه تبلیغاتی رژیم مارکسیست ما بیشتر فایده می شود و ما شاهد نزدیکی و کارو فعالیت مشترک و وسیع تر همه گروان های جنبش میهنی و ترقی خواه می شویم.

مسلمان انقلابی و مارکسیست از آن جا که مرد و - خواستار خاتمه دادن به استعمار و استبداد و مشتاق بهبودی خلق و ترقی کشور بوده و در هدف آگاهی و یکار را در راه خلق و میهن و تأیید مقدس همایانی می شنوند، دارای وجوه مشترک هستند. وجه این جا است که این وجود مشترک نه در مسائل فرضی و گذرا، بلکه در مسائل اساسی و گریزی است. از این رو وحدت عمل ناشی از آن مستحکم و پر قدرت، دارای دورنما و با آینده است.

واقعیت وضع چنین است که اتحاد مسلمانان انقلابی و مارکسیست ها در شرایط کمونی تاریخی نه فقط ممکن بلکه ضروری است. یک مسئله مهم وحدت زمان ما است، یک وظیفه است.

رژیم شاه هم مارکسیست را سرکوب می کند و هم مسلمانانی را که سنت مبارزه جوانان امام الهی علیه جویس وستم برجسته می کنند علیه بزیده زمان می رزند.

مجاهدین خلق در نشریه خود به حق گفته اند و ما تود ما با تأیید کرد ایم که:

"مسلمانان انقلابی که در برابر بیداری رژیم و سرافراز کردن رژیم را بر دوش می اندازند، مستحق ترین قد برافراشته هم زمان را می گام برمی دارند که مارکسیست - کمونیست ها واقعی پیش گرفته اند.

مجاهدین خلق به درستی گفته اند و ما تأیید کرد ایم: "یک انقلابی مارکسیست حاکم نمی تواند دشمن یک انقلابی مسلمان باشد."

ظلمی  
برای کمونیست ها اعتقاد این است که اختلافات ظلمی و نهی با هست مانعی بر سر راه مبارزه مشترک زحمتکشان به سه خاطر منافع و آرمان های مشترک شان گردد. لنین نوشته است: "وحدت در مبارزه واقعا انقلابی است، طبقه زحمتکشان که برای ایجاد بهشت پروری زمین می رزند، برای مابقی پیش از وحدت عقیدتی پرولتاریا در زمینه بهشت آسمانی اهمیت دارد."

برای مائود های ها که مرکز عقاید ظلمی و سیاسی و اقتصادی خود را نهوشانده و می دانیم که در یک سلسله از نظریات، اختلافات مسلکی با نیروی انقلابی دیگر داریم، آنچه مطرح و اساسی است این اختلاف نظر است، بلکه وحدت عمل دراز مدت و وسیع بین مارکسیست ها و مسلمانان وجه گردان های مختلف نهضت استقلال طلب و آزادی خواه است که آن را ممکن می سازد، حیات و وظیفه مهم خویش می شمریم. اگر با واقع بینی بنگریم، مارکسیست ها و مسلمانان در بخش عمده این نهضت اند. اگر دشمن بتواند بین این نیروی مهم انقلابی شکاف و نفاق ایجاد کند، ما مناسبت ستمگانه و میهن بریاده خود را تقویت کرده است. و اگر نتواند دچار باخت می شود که می تواند سرانجام برایش مهلک باشد. اگر انقلابی راستین هستیم، باید برای وحدت دراز مدت انقلابی علیه رژیم ضد خلقی، ضد ملی، آدامکن و فاسد شاه بکوشیم. باید از سیاست های تابناک مبارزان راه دین الهام بگیریم تا به هدف مشترک میهنی و دموکراتیک خویش برسیم.

**اطلاعه**

شخصی به نام کاوس صاحب و کارمند وزارت دادگستری و ادعای کند که به حزب توده ایران وابستگی دارد. به اطلاع می رسانیم که این فرد از کارگزاران ساواک و از همکاران نزدیک عباس شهریاری است. ما افراد مبارزان از این فرد بزرگزد می داریم.

مضمون این الحاقیه راه همه دوستان و آشنایان را بگویند و کاوس صاحب، کارگزار سازمان امنیت را به عموم معرفی نمائید. دبیرخانه کجتم مرکزی حزب توده ایران

اتحاد عمل همه رزمندگان ضد رژیم  
شرط نخستین یک به یک راستین  
و اثر بخش است. ستیزه افکنی  
در میان نیروها، به طبع عینی  
اقدامی است به سود رژیم.

# هجوم وحشیانه ساواک

به قصد کشتار مخالفین

در خیابان امیرآباد تهران، در نیمه شب اول خرداد ماه حادثه تان دهنده‌ای روی داد که اهالی محل را به شدت متاثر کرد و خشم مردم را علیه وحشی گری های بی حد و مرز ساواک برانگیخت. در نیمه شب ماموران شهرتانی و ساواک ناگهان به خیابان بوطی ریختند و خیابان را محاصره کردند. گویا آن‌ها در جست و جوی یک خانه امن چریکی بودند. بر اثر سرودای آن‌ها بسیاری از اهالی محل بیدار شدند. یکی از محله امیرای آگاهی اهلست شلوقی ناگهانی محله برداشت و به سوی خیابان خم شد. ماموران به محض دیدن او، دسته جمعی به طرفش شلیک کردند. کارآزمود زده که علت هجوم سلحشورانه رانسی دانست در خون خود فروطه و شد. رفقای دیگر او - وحشت زده به بالین ایشان افتادند و در حالی که به شدت زاری می کردند و از وحشت فریاد می کشیدند مساواکی آن‌ها را با مسلسل احاطه کردند و به خیال این که این جمع به شتم ریخته و چریک‌هایی هستند که در صدد فرارند از هر سو آتش مسلسل همایشان را به طرف آن‌ها گشودند. شش کارگر محله در این بیرون شبانه گشته شدند. هنگامی که نقاب برق چهره های رنج دیده آن‌ها را پوشاند و چشم‌ها وحشت زده و حیران نشان هنوز دچار ناباوری بود.

ساواکی‌ها برای پوشاندن جنایت وحشتناک خود به نهایت خونسردی اجساد قربانیان را با خود بردند. چریک از اهالی محل که برای اطلاع از ماجرا وارد خیابان می شد با از پنجره خانه خود سرش را بیرون می آورد تا تهدید به اسلحه جلادان و وحشت زده به درون خانه پناهنده می شد. اتومبیل یکی از ساکنان محل بر اثر رگبارهای مسلسل مسلح آپکن شد.

این جنایات هلی‌هلم همه کوشش‌های ساواک برای پنهان کردن آن از پرده بیرون افتاد و توفانی از خشم در دل شنوندگان و شاهدان حادثه در خیابان بوطی آفرید.

این حوادث افغانی ولستتایی نیست محکایت از یک سیاست تعدی رژیم شاه برای احقای جسمانی همه مخالفان سیاسی خود می‌کند. برای این هدف در باره سازمان امنیت به جلادان خود آزادی عمل نامحدود و آزادی جنایت و آدم‌کشی بی حساب داده‌اند. وقتی نخست وزیر شاه، هویدا در صاحب‌های روزارت‌الملاعات به مذهبین خارجی می‌گوید که حکومت قصد دارد ریشه "توریسم را بزند" بازتاب آن در عمل همین است که توریست‌های واقعی و بی‌سوی ساواکی‌ها و داماراز روزگار همه مردم برآوردند.

جنایات سازمان امنیت و کشتار دسته جمعی مخالفین شبیخون زدن به خانه‌های قصد ویران کردن و از بین بردن موج شدیدی از ناثر در میان وسیع ترین قشرهای مردم

هجوم وحشیانه و شبیخون سلحشورانه سازمان امنیت به خانه های مردم و به قصد کشتار مخالفین و اعضای خانواد های آنان به مراتب وسیع تر از آن است که در روزنامه های مزدور تحت کنترل ضلعکس می‌شود.

سازمان امنیت شاه به عمل خود دست بردارده است بدون بیم از رگونه بازه و است با بررسی و رگسی راکه دلشان خواست به نام چریک و خرابکار بکشند تا تخم هوا می و وحشت بپراکنند.

آدم‌کشی کوریندون تعیین نیست و البته نشانی از ترس خود عمل ساواک است ولی در عین حال از سمیعت رژیم دیکتاتوری مایه می‌گیرد که همه مردم ایران را بالقوه مخالفان خود می‌شمارد و خون همه کس را می‌داند.

در هجوم وسیع اخیر ساواک سعی شد مخالفان را بدون تامل قتل عام کنند و کسی را دستگیر ننمایند. رونی - جنایتکارانه ساواک چندین فاجعه بزرگ ایجاد کرد. در یکی از محله های ساواک در تهران به یکی از خانه‌ها به پدر جوانی کوشید تا شاید کودک خردسال خود را از زیر آتش دشمن نجات دهد. ماموران شاه پدر کودک را جابه جا گشتند و سپس ادعا کردند که گویا آن پدر چریکی بوده که گویا می‌خواسته کودک خردسال ناشناسی را وسیله فرار خود قرار دهد.

در قزوین به ماموران ساواک نشانی خانهای ادرک کوه به بحرین داده بودند. آنان شماره پلاک خانه را عونی گرفتند و به خانه محاسبه هجوم بردند. هجوم با آتش مسلسل و گلوله باران آغاز شد. به اهالی خانه فرمان دادند که فوراً تسلیم شوند. در این خانه محسن حسینی و ناظم دستا مجد قزوین و همراه با دسر و مادر صبرین زندگی می‌کرد. آن‌ها بی‌خبر از همه جا دست را به هلاکت تسلیم به بالا گرفتند و از خانه بیرون آمدند ولی ماموران ساواک به جاسی دستگیری آن‌ها رسیدگی به موجب آن‌ها را به گلوله بستند. حسینی و مادر زنش جابه جا گشته شدند. محسن حسینی زخمی شد. همه مردم قزوین از این فاجعه خبیر دارند و به شدت از آن متاثرند.

بسیارند بی‌گناهانی که از همه جا بی‌خبر به ناگاه مورد سوءظن قرار می‌گیرند یا آن‌ها بی‌گناهانند و یا فقط به علت آن که در محله یا کوچه‌های ساکن‌اند که عمال شاه گماری بزند که باید در آن جا مبارزاتی خانه داشته باشند جابه جا گشته می‌شوند. توریست‌های دولتی و جانیان حرف‌های بی‌بسی عمل آدم‌کشی رژیم شاه هم برای پرده پوشی جنایات خود می‌یادند می‌کنند که این افراد هدف گلوله چریک‌ها قرار گرفته‌اند و مثل عادت قزوین و بی‌آن‌ها را خود چریک قتل‌داد می‌کنند و مثل داده مثل پدر کودک و بی‌سعی در پنهان کردن موضوع می‌نمایند. نمونه این روش‌های خبیث حاد‌های است که در زیر می‌خوانید:

# اعتصاب کارگران

★ در کارخانه چیت سازی تهران ★

در برابر هجوم پلیس انطباط و نظم اعتصابی خود را نشکستند و اعتصاب با نظم ادامه یافت. به کارگران محبوب در کارخان به اشکال گوناگون خذ ارسا نده شد. زنان و کودکان کارگران به کمک آنان آمدند و به این ترتیب جشن اول ماه به کارگران چیت سازی تهران در کوره داغ مبارزه اعتصابی و شرایط - دشواری پیشروی برگدا ر شد.

اعتصاب کارگران چیت سازی تهران موجی از عطردی در میان سایر کارگران ایجاد کرد. کارگران نساجی کشور و از جمله کارگران کارخانه های ممتاز ری، جهان و اطلس روکشان اقدامات موثری برای ابراز عطردی به سه عمل آوردند. کارگران کارخانه ارج و شرکت واحد اتوبوسرانی تهران نیز عطردی خود را اعلام داشتند. در کارخانه "ایران کاه" اهلابه های پختن شد که کارگران راه عطردی و همبستگی با کارگران چیت سازی تهران دعوت می کرد. همچنین دانشجویان نیز با کارگران ابراز عطردی کرده و نیروی خود را برای کمک به آنان تجسیر نمودند.

روز چهارم اردیبهشت پلیس تدارک حطه بکارخانه را دید. افراد پلیس در مقابل کارخانه و بیاده روی خیابان آرامگاه موع گرفتند و کوشیدند تا هرگونه تماس میان کارگران را با خارج از کارخانه قطع کنند و جلوی انتشار خبردهای اعتصاب را بگیرند. پاسبانان با اسلک و باتوم روی سوی کارخانه صف کشیده بودند و اجازه نمی دادند که اهلابه های کارگران که در اطراف کارخانه جمع شده بودند با کارگران اعتصابی تماس بگیرند. در این میان پاسبانان کودک دوازده سیزده ساله ای را که در یک دستمال سرده غذا برای پدرش یا برادرش می برد دستگیر کرده و به داخل یکی از کامانگاریهای پلیس بردند.

سرانجام پلیس به داخل کارخانه ریخت. از حوادث درون کارخانه خبردستی در دست نیست. ولی شاهدین

و نیم اول سال جاری بیش از سی نفر کشته شده اند. این جنایت باور نکردنی است، جنایتی است ناشی از وحشت، نفرت و سادیسمی نرد انسانی. این جنایت به هیچ وسیله ای و به ترفیق اولی با خطر ضحک جورج حیدر قابل توجیه نیست. در پشت سر این جنایت با جنایت به ضافع طی، دزدی میلیاردری اموال عمومی، تلاش برای جلوگیری از تحویل و تکامل خوابیده است.

در این شرایط عجز و رحمت و فدا لیت پیام اخیر کمیته مرکزی حزب توده ایران که همه مخالفان رژیم تهور و اختناقی راه حکاری در یک جبهه واحد شد و یکتاتوری برای پایمان دادن به این وضع فراتر نمانده است همین از پیشروشن می گردد. تبه کاری های شاه از حد گذشته و باید متحدا دست خرنین جلا در ا قطع کرد.

در ماه های فروردین و اردیبهشت سال جاری جمعا حدود سی هزار کارگرا سی و شش واحد صنعتی در اعتصابهای مختلف شرکت کردند که مهم ترین آن ها اعتصاب کارگرا چیت سازی تهران بود که به مدت بیست و روز ادامه داشت. کارگران کارخانه چیت سازی تهران از روز چهارم اردیبهشت دست به اعتصاب زدند. جریان اعتصاب و خواست های کارگران به شرح زیر است:

کارگران کارخانه چیت سازی تهران خواستار آن بودند که دستمزدها را متناسب با افزایش هزینه زندگی افزایش یابد و برای تامین مسکن آن ها اقدام شود. طبقه بندی مشاغل انجام گیرد و حق بیمه که امانت بر میزان مسرور دریافت می شود کاهش یابد و استخدام کارگران رسمی شود و آنان از حقوق مستخدمین رسمی دولت بهره مند گردند. کارگران خواست های خود را به مقامات مسئول الحاصل دادند ولی توجیبی به آن ها نشد و لذا کارگران از چهارم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب آن ها مشکل یک پارچه و محکم بود. همه کارگران هر سه نوبت کارخانه در این اعتصاب شرکت کردند. کارگران تصمیم گرفتند در سرکار حاضر نشوند ولی کار نکنند. در نوبت از کارگران مائین هارا تحویل نوبت بعدی می داد تا محل کارخانه هرگز خالی نماند.

در روزهای اول اعتصاب به دستور مدیر کارخانه های از مهندسان و کارمندان را پشت دستگاه های بافندگی گذاشتند ولی اظهار شد بید کارگران آنان را مجبور کرد که محوطه کارگاه را ترک کنند.

روز پنجشنبه دهم اردیبهشت ماه پلیس کارخانه را محاصره کرد و از نوبت کارگرا نی که در نوبت شب در کارخانه بودند و از ورود کارگرا نی نوبت صبح جلوگیری نمود و بدین ترتیب کارگران نوبت شب در کارخانه محبوس ماندند. کارگران

برانگیخته است. شاه و دتستان سازمان امنیتی اوله هیچ گونه تودیه و تزویتی برای افعال جنایتکارانه خود ندارند دستور دادند در تمام روزنامه ها همزمان جنجالی درباره مردی به نام جورج حبش که یکی از رهبران درجه دوم و کم نفوذ جبهه آزادی بخش فلسطین است برانگیزند و جنین وانمود سازند که گویا جاری از طرف جنبش فلسطین کشور ما تهدید می کند.

از چند ده سال پیش که در باره پلیس همه جنایات نرد انسانی خود را بر تمام مقابله با بازرگاریچ پنهان می کند و یک روز خط مشهوری یک روز در کوبا یک روز خط نامه و یک روز خط طهران و یک روز در کرج هم روزی در مکرانیک بین و جنبش ظفار را به رخ می کند و خارج جورج حبش از همه ضحک تر است. در چند ماه اخیر کشتار ای همدون محاکمه و حتی بدنی با زنجیری به دست ماموران ساواک از حد گذشته و نقاب در یک ماه

# وضع کارگران در جنوب کرمان

طبق مصوبات شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران در استان بلوچستان و سیستان ۲۰ ریال در قبال هشت ساعت کار است. موافق قانون کار برای سلامت اضافه کاری باید ۳۵ درصد و برای روزهای جمعه ۱۳۵ درصد و بیشتر پرداخت گردد. اما در عمل دریافتی کارگران ساده هشت تومان و در دریافتی کارگران خردسال سه تومان است. کارگران ساده حداقل ده ساعت در روز کاری کنند و اضافه کاری بعد از ده ساعت کار معمولی داده می شود. روزهای جمعه اگر کارکنند دستمزد معمولی و اگر کار نکنند دستمزدی پرداخت نمی شود. برای تعطیل های استحقاقی سالیانه حتی اول ماه و یازدهم اردیبهشت که روز کارگر است به کسی حقوق نمی دهند. اکثریت کارگران از هیچ گونه مزایایی برخوردار نیستند و تنها بعد از یک کی لباس کاری دارند. در ادوات دولتی شهرهای جنوبی کرمان مرصداکلیسه خدمتگزاران را به تنگنویزی دارند و اگر امتناع نمایند آنان را به اخراج و قطع اضافه کار تهدید می کنند. در ادوات نفت و مخابرات کارگرانی وجود دارند که تنها ۲۴۰ تومان در ماه حقوق می گیرند و تازه حال خرج شکایت کرده اند و نتیجه ای نداده است.

در بندر چاه بهار یکی از بزرگترین پایگاه های نظامی ایجاد می شود که علی رغم اسم ایرانی خود یکی از حلقه های زنجیر پایگاه های نظامی امپریالیستی را در افغانستان تشکیل می دهد. در ارتباط با ساختن این پایگاه در شهرهای جنوبی کرمان نیز فعالیت هایی در زمینه راه سازی برای ایجاد ارتباط مطمئن تر میان چاه بهار به ششم می خورد. اما وضع کارگرانی که در شهرهای جنوبی کرمان و در راه سازی با کار می کنند و نشان می دهند که در این شهر نیز مانند سایر نقاط ایران حتی قانون نانقص فدیایی کار به شدت نقض می شود.

در شهرهای جنوبی کرمان حتی بچه های ده ساله نیز به کارگزار می شوند و حتی آنان را به کارهای خطرناک نیز وادار می کنند. مثلا در دی ماه سال گذشته در شرکت راه سازی کوهدشت و کارگر سیزده ساله ای مامور کسب کاری زنجیرهای ماشین سه تنی بود و بدین این که ماشین را متوقف کند. چند لحظه بعد آستین این نوجوان کارگر به زنجیر گیر می کشد و دستش از بازو قطع می گردد. سپس قفل سه زارتومان به او می پردازند و اخراجش می کنند.

## باز هم شاه اسلحه میخورد

خبر زیر از روزنامه امریکایی هرالد تریبون است که باز هم از یک معامله مشکوک اسلحه میان شاه و انحصارات امریکا خبر داده است:

بنامه نوشته روزنامه مطلع امریکایی به پای هوایی ر بوئینگ را در ارکه به ایران تحویل می شود یک صد و هشتاد و هفت میلیون دلار تعیین شده. در حالی که همین هواپیما وزارت دفاع امریکا و فروند شصت میلیون دلار به بینی یک سوم بهایی که به ایران می فروشد به پیمان ناتو پیشنهاد کرده. ولی ناتو هنوز حاضر به خرید آن نمیست.

هرالد تریبون می نویسد که ده فروند از این نوع هواپیما برای ایران سفارش داده شده که جمعاً یک میلیارد و هشتصد و هفتاد و هشتاد میلیون دلار قیمت خواهد داشت. اولین سفارش این هواپیماها را ایران قریب یک سال پیش داد و در آن وقت بهای هر هواپیما صد و یازده میلیون دلار اعلام شد.

هرالد تریبون می نویسد که ایران با خرید این هواپیماها کمک می کند که فدا تولید آن واقع نشود تا شاید مقامات ناظر برای خرید تصمیم بگیرند.

برای این که تصویری از بهای این هواپیماها داشته باشیم یاد آوری کنیم که مجموع تولید سالیانه فروش کشور چه آن که صادر می شود و چه آن که در کشوری ماند به برابر نصف قیمت یک هواپیما است. و اگر همه ساختمان های دبیرستان های سراسر کشور را بفروشیم به زحمت ممکن است قیمت ده فروند از این هواپیما بدست آید.

ماجرای گفتند که با سپاس داد داخل کارخانه به جان کارگران افتادند. عده زیادی از کارگران که شبانه از کارخانه رانده شده بودند قصد حرکت جمعی به سوی شمال شهر را داشتند و اما شلیک گلوله امان نداد. خون دهنها کارگرهایان آرامگاه را کلنگ کرد. بنا بر گزارشات رسیده تا ده تن از کارگران کشته شدند. عده های مجروح گردیدند و بسیاری را نیز روانه بازداشتگاه های ساواک کردند.

خشم و انزجار همه کارگران را فرا گرفت. کارگران بسیاری از کارخانه های خیابانری و جاده شاهبهد العظیم برای اعتراض به اعمال وحشیانه پلیس و سردمداری با کارگران قهرمان بهیت سازی تهران دست از کار کشیدند. پلیس در اطراف این کارخانه تا نیز موضع گرفت و تا چند روز بعد همچنان کمانکارهای پلیس در خیابان های اطراف این کارخانه (از جمله کارخانه سیمان کارخانه سلیس) جیت سازی روی چند کارخانه دیگر) مستقر بود.

گرچه اهتمام بر سرور یکتا کارگران جیت سازی تهران را پلیس وحشی شاه جلاد به خاک و خون کشید و تا ششیر آن عشق و شکر بود. آنگاه ای ایقانی و نظم آهنین مبارزان انحصاری ستایش انگیز بود. موج وسیع اعتصاب ها و سایر اقدام های محطری و محبتی از آنگاه میباری باز هم بیشتر طبقه کارگر ایران و تشک و سازمان یافکتگی باز هم بیشتر آن حکایت می کرد.

### و تجمیع اسامی کارگران

این و اطمینان برزاندند و در مورد وضع کارگران هنگامی می خوانیم که کشور به ظاهر قانون کار دارد عهد اقل دستمزدها به طور رسمی اعلام شده و صحبت از تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری و حفاظت و امنیت کارمندان است. ساخت کارروزی و تعطیل مفتگی و مرخصی سالانه با استفاده از حقوق و وقتی صحبت از سهامدار شدن و سرمایه دار شدن کارگران در میان است و شاه و جاسوس استشار را در کشور سرچا انگاری کند. ولی این بار که ساده ترین تقاضاهای قانونی کارگران مطرح می شود، هشت آهین خود یعنی سازمان امنیت و پلیس و ژاندارم و بر مفر آنان فرود می آید.

روزنامه آیندگان در شماره چهارم اسفند ماه ۳۵۴ خود مقاله ای داشت زیر عنوان: "روزگار تلخ آن گاه پسته خندان می کنند". این مقاله سند رسواکننده ای است از وضع توده های عظیم کارگران در شرایط سختی که تمام ادعاهای بی شرفانه شاه را اوراقی از زیر در مورد زندگی و کار و مشکلات همین مردم می کند. برای این که تصور نشود مطالب آن نوشته تنها برای زنان و مشکلی که در کارگاه مورد بازدید یک کارگر می کرده اند صادر است و نویسنده گزارش خود را این طور آغاز می کند:

"کارگران باغ های چای و کارگران قالی بافی و کارگران پسته و کارگران... کارگران همه کاره ای سنتی و وضعی - مشابه هم دارند و وضعی که با بی یاری از غارت ها و اقتضای روزگار ما ما این نیست.

بر کسی نیکی بالای مقاله را نگاه کند که نشان دهنده منظره کارخانه ای است که در شرایط تلخ ترین وسطایی کسار می کند حالت بغض و رانندگی اشک آلود نویسنده زاری را می بیند و می بیند که روزنامه متعلق به موسسه فرانکلین آمریکایی و آوردننده ها: جاسوس سیا و عضو هیئت اجراییه حزب رستاخیز باشند.

نویسنده سبب این اوضاع می داند:

"تمامی پسته استان کرمان را در شرکت سهامی روستک شرکت تعاونی مطالعه می کنند و این شرکت با پیرد انجمن با این ترین رقم مقرر به کارگران کارخانه های خود و سود شگفتی را که تنها در سال گذشته به یک میلیارد ریال رسیده است به جیب شرکتها و سهامداران خود می ریزند."

"هم اکنون در سالن پسته یک کمی شرکت صادرات پسته کرمان که در دیدار نمایندگان رسانه های گویوسی از تاسیسات مس سرچشمه کرمان به بازدید گذشته شد شتادین کارگر و بزین از این با بچه های ده ونهم قد به امید تأمین بخشی از هزینه زندگی خرید کاری کنند که اگر بتوانند در یک کار تمام وقت بیست کیلو پسته در سن پسته را در روز نندان کنند و قفل ۵۰ ریال مزد می گیرند. این کارگران کارشان از مبرماه آغاز می شود و معمولاً تا آخر سال و در سال های زیارتو تا اریهشت ادامه پیدا می کند و بقیه سال را بی میزند."

نویسنده در پایان مقاله دردی می نویسد:

"با این شرایط باید به حال این کارگران که بایک کارشیمان روزی و اوقات نرسا سالانه میلیون ها ریال سود کار خود را به جیب ما می ریزند شرکت می ریزند فکری کرد تا آینده آنان نیز مانند روزگار تالی بافانی که سال ها شیره زندگی خود را به بیچاره نمایان کارگاه انبخته اند نشود."

این بود سخنانی از اعتراضات آیندگان درباره وضع کارگران.

## سرود پست

شعری از مبارز شهید

باید که دست بداریم باران! خسرو گسرخ  
باید که چون خیز بخروشیم  
فریاد های ما اگرچه رسان نیست  
باید یکی شود

باید تپیدن در قلب اینک سرود  
باید گسرخ در خون های یک پرچم  
باید که قلبها  
سرود پرچم ما باشد

باید در هر سینه الهی  
نزد یک تو شوم  
باید یکی شویم

اینان تراس شان زبانی ماست  
باید گسرخ زنده  
الهیچه خاور

از چشم های  
باید که گلوله تشنه  
میزبان خیز باشد

باید که بر فقر  
از چشمه ای شمالی بی نصیب نماند

باید که دست های خسته بپاسایند  
باید که سفره های همه رنگین  
باید که خنده و آینه و جای اشک بگیرد  
باید بهار

در چشم کودکان جاده ری  
سبز و ننگفته و شاداب  
باید بهار را بشناسند  
باید "جوادیه" بویل بنامند

بله این شانه های ما  
باید که رنج را بشناسیم  
وقتی که دستت در جمان

باید که تب و سولخته می میرد  
باید که دست بداریم باران!  
باید که قلب ما  
سرود پرچم ما باشد.



دوگزارش از شرایط زندگی و مبارزات

کارگران نوب آهن اصفهان



در کارگرنی گروه کثیری از کارگران اخراجی جمع می شوند. به روسا رهنمود داده شده است که اگر کارگران سوار شوند ، دیگر نمی شود آن ها را پیاده کرد . مسئله این جا است که نباید گذشت سوار شوند .

وخت از طبقه کارگر به هنگام دیدار از پیر شاه از کارخان نوب آهن پیش از هر وقت دیگر آشکاری شود . روز بعد از شاه کارخانه به قرارگاه مخوف . نظامی تبدیل شده بود . در تمام مسیرهای داخلی کارخانه گارد های بیوه و ساواکی عاو گروه های غیرت متمرکز شده بودند . گروه کثیری از کارگران راه کارخانه راه ندادند . رفت و آمدها در تمام جاها اطراف متوقف کردند . کارخانه و تاسافت در دست در اشغال نظامی بود . به این ترتیب شاه به میان کسانی آمد که سعی است پشتیبان اصلی رژیم او هستند ! واقعا به چشم دیدن بیگانگی شاه و کارگران در آن روز تماشا می شود

مجموع نوب آهن اصفهان ده ها هزار کارگر دارد و بزرگترین قطب صنعتی کشور است و اما کارگران این مجتمع با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو هستند که بیستمه ماهه اعتراض و مبارزه آنان می شود . دستمزدها کارگران کم است و کفایت کمی ترین هزینه زندگی را هم نمی دهد . حتی تکسین بناو - مهتد سلن از کمی حقوقی خود ناراضی هستند . دولتست در مقابل اعتراض کارگران پشت سر هم تپل می دهد ولی اجرا نمی کند .

مسکن یکی دیگر از دشواری های بزرگ است که در بار آن هر روز پیش از نوب در صد کارگران سنگینی می کند . گرانی اجاره بها و کمبود مسکن در اصفهان و به خصوص برای کارگران غیر بومی و غیر قابل تحمل شده است . وضع خانه سازی در آریانه شهر بسیار ناپسندمان است . کارهای ساختمانی تعطیل شده و ساختمان های دوازده طبقه نه آب دارند و نه آسانسور .

وسيله رفت و آمد بلامی جسمی و روحی زندگی برای کارگران نوب آهن شده است . هر روز اجتماع صدهایی از کارگران - ششمگین در جست و جوی وسایلی هستند که خودشان راه سرکار برسارند و لصاب خود را در راه کارخانه خود بید نشا را خمیر سازند سپس جرمهه تاخیر نیز می بردازند . بهر ه کسی از کارگران نوب آهن ابعاد و حشمتناگی به خود گرفته است . به علت کمی دستمزدها آنان مجبورند اتمام کاری کنند واز ۵/۵ صبح تا ۶ یا ۷ بعد از ظهر گرفتار باشند ومانند جسدی بی رمق به خانه بازگردند .

در قسمت های کارگری غذا خوری وجود ندارد . کارگر خانواده داری که در برابر هشت ساعت کار فقط هشت تیا بهست و پنج تومان حقوق می گیرد و نمی تواند غذای ه توما بخورد و نیز خانواده های گرسنه خواهند ماند .

کارگران دیگر مدت ها است که به انگیزه این ظلم استشار ایققاتی می برد و اند و بین هم پی پی می کنند : " آخر چه دستاورد این که میزاست و ما این زندگی سگی را دریم اما بالایی ما کور کور رخت و پاش می کنند و به جیب می زنند . آخر چرا این قدر اسلحه می خرند و ما خود مان فقیریم اما به کشور های دیگر فرقی می دهیم . چه قدر می دارند و پول نفت چه می شود ؟ "

دولت نیروی فشار قابل ملاحظه ای را در کارخانه مستقر کرده است . گردانهای کارخانه ها ماموران سازمان امنیت و ژاندارم ها که گروه های ارتشی در نقاط مختلف کارخانه ها دارند و هر روز جلوی چشم کارگران تعزین می کنند تا آنان را برضا نهد . همه این ها از روی تهدید به کارگران توهمین میکنند و زهر می کوبند . کارگر به کترین بهانه های اخراج می شود . هر روز جلو

۲

مبارزه کارگران نوب آهن اصفهان در شهر فلاورجان

شهر فلاورجان میان کارخانه نوب آهن و شهر اصفهان قرار دارد و نزدیک به چهار هزار نفر از کارگران نوب آهن با خانواده های خود در آن زندگی می کنند . اکثر کارگران مزدور محلی نیستند و به خاطر گرانی اجاره بها در اصفهان ونداشتن مسکن در کارخانه به زندگی در این شهر تن در داده اند . برای این انبوه عظیم کارگری تنها سه اتوبوس سرویس بیض بپوشی شده است . از این رو است که کارگران فلاورجان پیش از دیگر همکاران خود در روز چهارم تاخیر و کیفیت ناموجه می بردازند .

روز چهارم هم بهمن ماه سال گذشته کارگران فلاورجان تصمیم گرفتند که با این وضع تحمل ناپذیر سه قطبله جدی ببردازند . خبر گوش به گوش گشت و صبح روز بعد تمامی کارگران فلاورجان اهتمام کردند و سوار اتوبوس های سرویس نشدند .

شهر کوچک فلاورجان به رسیده بل کوچک واریکی به جاده اصفهان وصل می شود . نکه مرکزی شهر مقابل پست قرار دارد . کارگران ابتدا در نطقه جمع شدند اما انبوهی از اعتراضی از آن ها برخاسته و واند ارم . باسر رسیدند . کارگران باخونسردی خواست و مشکلات خود را با یکایسک واند ارم ها در میان گذاشتند و تاکید کردند که قصد دیگری جز تهیه وسیله نقلیه برای رفتن به محل کار خود ندارند ولی استوفرواند ارم به افراد بی دست و پا کارگران را - متفرق کنند . کارگران با اجتماع در برابر بل فلاورجان راهپله شهر را با خارج تبلیغ کردند . همین که خطبه واند ارم ها آغاز شد ، برای آن ها نیروی ککی رسید . کارگران

# رویدادها

## اعتصاب ای کارگری

### ۱- اعتصاب کارگران کارخانه ایران سیلندر در تهران

در اوایل آبان ماه سال گذشته کارگران کارخانه ایران سیلندر در تهران مبارزه اعتصابی پنج روزه موفقیت آمیزی را پشت سر گذاشتند. ماهی از این تزار بود که کارگران با توجه به شرایط دشوار کار و پاره کنی بی بند و بار و حق الحاقه در کارخانه در دست گرفته اند به جای یک ماه حقوق به عنوان سود ویژه در ازمایش ماه کار معطل دل دو ماه حقوق به عنوان سود ویژه برای مدت شش ماه به آن ها پرداخت شود. بدیهی است این تقاضا با مقاومت کارفرمایان روبرو گردید و محلا نادیده گرفته شد. کارگران کارخانه ایران سیلندر در مبارزه با کارفرمایان اجماع خود تجربه تلخ و بی ناموزی داشتند. آن سال گذشته برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده بودند ولی اعتصاب سرروزه به علت سستی اتحاد و نبود تجربه با شکست روبرو شد و نمایندگان کارگران به نام حاجیان از کارخانه اخراج گردیدند. در اعتصاب نازا سال قبل کارگران موفق به کسب کمترین امتیازی نشدند و حتی یکی از کارگران به عنوان اعتراضی - نمیدانم به روی کارگری کارفرما از پشتیبانی همگان نیز بی دریغ رژیم برودار بود و دست به تیرکشی زد. توسل دوستان از برای دریافت شکست اعتصابیان قبل در

خوبی به کارگران داد و آنان با ارزیابی نقاط ضعف و قوت این اعتصاب در اوایل آبان ماه سال گذشته مبارزه جدیدی را با دست و پا است افزایش سود ویژه آغاز کردند. کارگران این بار در کارخانه حاضر شدند و در پشت ماشین ها قرار گرفتند اما کار نکردند و اگر کار کردند بازده آن قدر ناچیز بود که اصلا به حساب نمی آمد. کارگران از میان خود یکسانی را مامور کرده بودند تا گوش به زنگ باشند و سرگانه نماینده وزارت کار یا مامورین امنیتی به سراغ شان آمدند و آن ها را مطلع کنند تا در برابر آن ها به کارهای خود بپردازند. در نیم روزی که اعتصاب کاملا حساب شده کارگران ادامه داشت مبارزه کار در کارخانه از یک دهم روزهای معمولی هم یابین تر آمد. این وضع برای کارفرمایان قابل تحمل نبود و اولیا کارخانه سرانجام در یلبر مبارزه متشکل یک پارچه کارگران عقب نشینی کردند و سود ویژه یک ماهه آن ها را از یک ماه حقوق به یک ماه ونیم افزایش دادند و تصدیق کردند به زودی آن را ناممکن و دوماه حقوق بالا ببرند. در کارخانه ایران سیلندر حدود ۳۰۰ کارگر کار می کنند که همه آن ها در اعتصاب شرکت داشتند.

### ۲- اعتصاب کارگران کارخانه های نساجی

شهنار و نساجی پشمیاف

کارگران کارخانه های نساجی شهنار و نساجی پشمیاف دست به اعتصاب زده و طی رزم حملات سازمان امنیت کسب موفقیت کردند. این کارخانه ها به عهد انیان تعلق داشت که شاه از دست او گرفت. از موقعی که اداره کارخانه ها به دست دربار و دولت افتاده فشار به کارگران تشدید شده است. بیش از یک سال بود که سود ویژه کارگران را نمی پرداختند. سرانجام کارگران شهنار دست به اعتصاب زده و جلوی کارخانه اجتماع کردند که در میان همه کارگران اصفهان انعکاس وسیع یافت.

کارگران پشمیاف نیز به اعتصاب دست زدند. مدیریت کارخانه با پرداخت شش ماه سود ویژه موافقت کرد و اعتصاب موقتا پایان یافت. اما ساواک به بهانه های گوناگون تعداد کثیری از کارگران را دستگیر کرد. آنگاه کارگران برای آزادی رفقای خود باور دیگری دست از کار کشیدند و همرازی چند روز ساواک اجبارا عقب نشست و اثر کارگران دستگیر شده را آزاد کرد. در جریان اعتصاب توکات ای به امضای حزبیت ایران در میان کارگران منتشر شده که با استقبال گرم آنان روبرو گردید. البته کارگر اصفهان که دریایه گداری و تحکیم حزب پیشاشک طبقة کارگر حزبیت ایران نقشه فصالی داشته امروز نیز در کارهای سیاسی سازمان های حزبیت گستر سازماندهی

را برپا کرده به آسانی تسلیم سرنیزه و زهر شوند. آن ها به حقانیت دست و پا است. ای خود ایمان داشتند. آن ها مقاومت شعله کشید. از این رو چند تن از مقامات دولتی و نیز مسئولان ساواک خود را به جیل دادند و رساندند. زاران کارگر ششمین در حال نبرد یاتند از آن بودند. صحنه باشکوهی بود. نگاهی به وضع نشان می داد که بازگویی از پیش نمی رود. فکر این که جوی خون جاری شود. از این جهت نوکران رژیم از درد یگری وارد شدند و به کارگران قول دادند که ماشین به اندازه کافی در اختیار آنان بگذارند. پراز سالت خاکشک کارگران پل را باز کردند و به ده سال اتوبوس و مینی بوس و اتومبیل سواری که در این مدت در دو طرف پل توقف کرده و سر نشینان شان تا این مبارزه باشکوه کارگری بودند و امکان دادند تا به راه بردارند و دهند.

نیز پیروز شدند. زاران کارگران در میان کارگران در اصفهان و شهر رزم و مبارزه پیروز شدند و نتیجه آید و نتایج دیگر بازتاب گسترده و ریانت. بعد باتوجه آموزی از این اتحاد اینک پارچه و مصمانه می گفتند. در آفرینش است. این پیروزی کارگری بود به یاد می یابند و با این که در روز سیزدهمین توین فشار های پلیسی و در شرایط انتشار و حشمانه کارگران آن به سستی استقامتی شده داده است.

انقلابی فعالانه می‌کوشد.

بودند و برپوشند و چاره‌ای جز نرمش و تذکره نیافت.

نمایندگان کارگران خواست عای خود را به این شرح  
با بخش اردو بر میان گذاشتند:

۳- ماهه جای هفت صحت کار میروانند و از به سلامت  
کاری کنیم و چهار صحت آن بگیریم است. برای این چهار  
صحت امانت کار اجباری دیگری به ما نمی‌دهند. ما باید  
این بگیریم قطع شود و ما باید امانت کارمان را موافق  
قانون کار به ما برده اند و روزهای جمعه ما مجبور  
به کار هستیم. این مغایر قانون کار است. کار اجباری جمعه  
ما باید قطع شود و دستمزده ما در حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومان  
است که هیچ امانت حقوقی و امانت کاری بر آن افزوده -  
نمی‌شود. با توجه به گرانی روز افزون ما محتاج زندگی و این  
مبلغ فقط تکافی کرایه سکن را می‌دهد. درباره افزایش  
حقوق ناچیز ما باید شرایط زندگی و سطح کفونی قبه است  
ما محتاج مادر نظر گرفته شود و هفت درصد از حقوق ناچیز  
ما بابت بچه گیری شود بی آن که کمترین خدمات - -  
بهداشتی یا درمانی در اختیار ما قرار گیرد. کارگران جدا  
می‌خواهند که امکان استفاده از پزشک و دارو و درمان برایشان  
فراهم شود و شامل ماهه از کارخانه بسیار است. از این  
جست‌و‌جوییم نظارتی از حقوق ناچیز خود را بابت هزینه  
رفت و آمد بپردازیم. باید در مورد سازمان دادن سرورسی  
حلقه و نظارت رایگان از طرف کارخانه اقدام فوری شود.

بخش اداری از شهرت با رئیس و اتد امری و در سرورسی  
کارخانه از کارگران چند روز فرصت خواست تا به خواست  
شای آنان جابه‌جایی بپوشاند. کارگران سه روز صلحند اند  
و اتمام حجت کردند که باید در این مدت رسیدگی کامل به  
خواست ما و تحقق بکنیم آن را انجام گیرد.  
با توجه به خواست نمای کارگران کارخانه بدرسیر که  
تازه در صورت عطل شدن یک زندگی محروم ساختن را  
برایشان میسر می‌کند و می‌توان وضع توده های عظیم کارگران  
را در سرزمین بخت و پرنعمتی که به قول آریامهری شرم  
به دروازه تمدن بزرگ رسیده و مجسم کرد.

۶- اعتصاب کارگران بخشی از مجتمع فولاد اراک  
در حدود اوایل بهمن ماه در کارگاه سیمت کارخانه  
آلمانی که یک قسمت از مجتمع فولاد اراک را می‌سازد و کارگران  
دست به اعتصاب زدند و نسبت به حقوق خود اعتراض کردند  
تا جایی که با ابراز تنفر از کارفرمایان آلمانی و امریکایی فریاد  
می‌زدند که چرا یک آلمانی ده برابر یک شخص ایرانی پول  
می‌گیرد و در صورتی که ده کارش را ایرانی‌ها انجام می‌دهند و  
فقط آن‌ها اولی صبح می‌آیند تا ساعت ده و فقط مهندسان  
نوی دفتر می‌نشینند و بعد از لحاظ فردا.

صدای کارگران و تکسین تا بالا گرفت و مهندسان را  
دستپاچه کرد. اول سعی کردند با زبان و وعده و وعید کارگران  
را به سرکار برگردانند. اما کارگران بیشتر صعبانی شدند و

۳- اعتصاب کارگران تراکتورسازی تبریز (آذرماه ۱۳۵۴)

کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز برای افزایش دستمز  
به خاطر بعضی از کارگران اخراج شده کارخانه و  
دست به اعتصاب زدند. نیزند. ما و وعده و وعید عای  
اولیای کارخانه برای مصرف کردن کارگران، از جمله یوهن  
و از سرگرفتن اگر تاکنون به نتیجه نرسید.  
چند روز از آن کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز  
با خواست نمای اقتصادی دست به اعتصاب زدند و بودند که  
مسئولان کارخانه با هیچ درونگویی نتوانستند بر آن فائق  
آیند. اما سرانجام آن اعتصاب به اخراج گروهی از کارگران  
انجامید. این کارگران کارخانه تراکتورسازی با اعتصاب  
به حمایت از برادران لشرفی خود برخاسته و بازگشت  
آن‌ها را به سرکار و استوار شدند.

۴- اعتصاب کارگران نیرو ارمواز

در حدود هزار کارگر کارخانه نیرو ارمواز از اول آذرماه  
دست به اعتصاب زدند که چندین هفته طول کشید. طبع  
اعتصاب کارگران کارخانه نیرو امتناع مسئولان از تقسیم سود  
بزرگ در بین آن‌ها بود. کارگران که مبارزه آگاهانه و با  
کثرتی چپ‌انگیز خود آغاز کرده بودند با توجه به شرایط  
اختلافی ایران و دشمنی ما و وحشیگری پلیس ساواک  
در برخورد با خواست نمای کارگری و اعتصاب خود را به این  
نحو سازمان داده بودند که در سر کارخانه می‌شدند  
اما کم کاری کردند و اشتباهات و غفلت های عدی در  
جریان کار وقفه ایجاد نمی‌نمودند و محصول کار اصلا تا  
سلاح زیادی پائین می‌آوردند. پسر شاه به وزیرستان  
و دیدار او از کارخانه نیرو ارمواز در حالی انجام گرفت که  
صدای کارگران در حال اعتصاب بودند.

۵- اعتصاب کارگران قد بدرسیر کرمان

شهرستان کوچک بدرسیر در نزدیکی کرمان و در اوا  
دی ماه سال گذشته شاهد یک اعتصاب پر شور و شکست  
انگیز کارگری بود. چهارصد تن از کارگران کارخانه قد  
بدرسیر با تقاضای تعدد در صفوفی فشرده و نظمی  
آنان از محل کارخانه به راه افتادند و شش کیلومتر  
فامه کارخانه و بخش‌های را پیاده پیچیدند تا اتمام  
حجت خود را درباره تنبیر غیر انسانی و فارتگوانه  
کار خود در میان بگذارند. نام یک پاره و حرکت مصمم  
کارگران شهرستان کوچک بدرسیر امکان داد و گروه های  
بزرگی از مردم را نسبت به کشیکاری و سپس به مدد  
با کارگران اعتصابی کشاند.

بخش اردو بدرسیر وقتی با انبوه کارگران خشمگین و جمعی  
کشوری که به واداروی آن‌ها برابر بخش‌های اجتماع کرده

کارفرمایان را بیشتر متوجه کردند به طوری که دست به امان و اندامی شدند و آن‌ها سه نفر از کارگران را دستگیر و به ساواک اعزام داشتند. روز بعد نیز احتساب ادامه پیدا می‌کند و ساواک به کادو و اندامی و دیگر از کارگران رابطه جمع باز داشت شده و بنا می‌افزاید و آن ارازم فشار می‌گذارد و از کار پرکناری کند. هنوز از سر نوشت آن‌ها کسی اطلاع می‌ندارد.

#### ۷- احتساب کارگران نفت آبادان

در اوایل سال گذشته کارگران نفت آبادان دست به احتساب نشستند و دستگیر شدند و دستگیر شدگان افزایش یافت. ساواک که حدود مولود کود تا ۲۸ مرداد و قرار داد خلیفانه شاه کمترین دستگیر شدگان است. این امر ریالیستی است و چندین بار به کارگران حمله می‌کند و ولی احتساب کارگران نفت با موفقیت ادامه یافت و سرانجام در نتیجه چندین باره یکی از کارگران موفق به تحمل خواست‌های خود شدند.

بد نیست که یادآوری کنیم که یک قلم نازی احمدی شده در نیروی دریایی که حدود بیست میلیون دلار است و بین از دستبرد شصت ساله بیست و نوزده کارگر نفت است. و احتساب دیگر برای یک خواهری نازی احمدی می‌باشد که در ۲۷-۲۸ خرداد هزار برابر بچه دست زدی است که کارگران زنده نگرفتند و در وقت اقتصاد از بسد و استخراج نفت تا به امروز دریافت کرده‌اند.

#### ۸- احتساب کارگران پلی اکتیل

بسیار از روزگار نیز از کارگران و کارمندان کارخانه پلی اکتیل واقع در مبارک امفیجان که صنایع ساختن الیاف مصنوعی است و برای دریافت عیدی و پاداش آن سال دست به احتساب زدند. کارگران و کارمندان این واحد عظیم صنعتی که با سرمایه مشترک ایران و آمریکا برپا شده می‌گفتند با وجود این که تولیدات کارخانه نوبتاً پلی اکتیل به بازار نیامده و این سال مالیک سال تمام در این کارخانه کار کرده‌ایم و شغل مزایای آن هستیم و باید مانند دیگر کارگران و کارمندان واحد های تولیدی و صنعتی پاداش و عیدی بگیریم. بیشتر کارمندان احتسابی به پیش آمدن کارخانه و تمامی کارگران احتسابی به بدین ساختمان آن تبلیغ دارند و چرا که کارخانه پلی اکتیل که در گذشته ایستاده می‌شود و هنوز دست اندر کار ساخته تمام بسیاری از واحد های نیروی تولید است. از همین از یک سال پیش وقت کارگران و کارمندان را دستگیر کرده و در این کارگران و کارمندان مهتر تمام جمع کردند که تا وقتی کارهای آن‌ها به احوال تنقیر نیاید از بازگشتی به کاره سر عنوان خود دارن خواهند کرد.

بسیار باد جنبش احتسابی کارگران!

#### ۹- احتساب کارگران پتروشیمی بندر شاپور

کارگران پتروشیمی بندر شاپور از روز بیست و دوام است به یک احتساب همگانی زدند و پتروشیمی شاپور بزرگترین کارخانه پتروشیمی کشور است که در حدود ۷۵۰ نفر در آن به کار مشغول اند. احتساب کارگران برای افزایش دستمزدها عنوان اعتراض به تصدی نمایندگان کارگران شرکت نفت آغاز شد. کارگران با توجه به شرایط حفظان آب و هوا شناخت دقیق از رژیم دیکتاتری شاه و احتساب خود را به طور نشسته سازمان دادند. آن‌ها در سرکار حاضر می‌شدند اما کاری کردند و با آن کارگری کردند که باز می‌نداشت.

مسئولان کارخانه ساواک بندر شاپور سخت به دست و پا افتادند تا شاید بتوانند قبل از پایان سال و آغاز تعطیلات تهریز که تعداد مسافران زیاد می‌شود به احتساب پایان دهند.

از نتیجه این تلاش‌ها هنوز خبری نداریم.

#### ۱۰- احتساب کارگران لیلاند

کارگران کارخانه لیلاند برای دریافت عیدی زویه ام از کما سود ویژه بیست درصدی که از پرداخت آن خود داری گرفته مدت هفتاد روز و از پنجم تا سیزدهم اسفند ماه به احتساب دست زدند و در محله کارخانه تجمع و از کار خود داری نمودند. نمایندگان وزارت کار خواستند با عده آنان برای وارد کار کنند که با اعتراض کارگران روبرو شد. تا آن که قول صاحب کارخانه را صبری ببردند گفتند. ولی چند نفری که نمایندگی کارگران را به عهده گرفته بودند برای چند بار مورد بازخواست واقع شدند. نمایندگان رسمی کارگران همچنین رسماً سندیکا و وقتی کارگران از ایشان خواستند که کارگران را رهبری کنند به کارگران گفتند: " بروید هر چه می‌خواهید بکنید خودتان می‌دانید."

#### ۱۱- احتساب کارگران معادن زوب آجین کرمان

قبل از عید سال جاری شاه برای بازپرد کارگاه های معادن زوب آجین کرمان و به کرمان رفت. در روزهای اولیا امرو شی کارگری را به کارخانه راه نمی‌دادند. روز بعد از بازپرد کارگران احتساب می‌کنند. نیروی نظامی دخالت می‌کند و با شدت عمل عده ای را اراج و عده ای را تبعید می‌نمایند. کارگران دست از احتساب بر نمی‌دارند و معاد را روز شانزدهم اسفند دست به احتساب می‌زنند. انگیزه احتساب عقب افتادن دریا دستمزدها است. کارگران زوند و ریزآباد و یابدان نیز در این احتساب شرکت کردند. مجدداً نیروهای نظامی وارد عمل شدند و کارگران ایستادگی کردند. و بالاخره به کارگران قول دادند که آخر ماه دستمزدها عقب افتاده شان پرداخت می‌شود. ولی آخر اسفند آمد و سال نو هم آمد و باز هم از دستمزدها عقب افتاده خبری نشد. روشن است که از سود ویژه و پاداش هم خبری نبوده است. این امر

که شایع است روساز، حزب رستاخیز تمام بودجه را به جیب زد مانند .

۱۴- اختصاب کارگران صیمان تهران

کارگران کارخانجات ساختمانی صیمان تهران در دستم آخر اسفند به مدت سه روز برای دریافت حقوق و حقوق اولاد که همیشه دریافت می داشته اند، ولتی در سال گذشته مسئولین امیراز پرداخت آن خودداری کرده بودند دست به اختصاب زده و از کار امتناع کردند. کار به دخالت واندازا کشید و اختصاب را شکستند. کارگران این کارخانه سه علاوه بر آن که حقوق مورد تقاضای خود را دریافت نکردند، تا مدتی حتی حقوق های در درازنیز دریافت ننموده بودند.

۱۳- اختصاب کارگران شرکت ساختمانی ایمانا

عیدی کارگران شرکت ساختمانی ایمانا، شرکت مطالعه کاری که کارهای ساختمانی مجتمع فولاد اهواز را انجام می دهد پرداخت نمی شود. روزیست و ششم اسفند کارگران صبح جمع می شوند و با صندل سرعایدی مذاکره می کنند. مهندسین شغلی می آید و کارگران نیز واکنش نشان می دهند: واند اصراری خبری شود و واند اصرارها سه نفر را دستگیر می آند. روز بعد جبهه کارگران جمع می شوند. نمایندگان کارگران با نمایندگان شوکت مذاکره می کنند ولی این مذاکره به جایی نمی رسد. واند اصراری سه نفر دیگر را دستگیر می کند. قرار می شود بعد از عید صیانت را پرداخت نمایند. در این مدت شرکت شروع به اخراج کارگران می کند. تاکنون سرحد و یک سوم کارگران را اخراج کرده اند. از کارگران دستگیر شده سه نفر آزاد گردانند و از سه نفر دیگر خبری نیست.

۱۴- اختصاب کارگران کارخانه گونی بافی رشت

در کارخانه گونی رشت به کارگران جمعا پنجاه روز حقوق بابت با دهن سود ویژه پرداخت نشده که کارگران به عنوان اعتراض به کمی آن و همچنین برای افزایش دستمزد یک روز اختصاب کردند.

۱۵- اختصاب کارگران صنایع پشم اصفهان

کارگران صنایع پشم اصفهان که در روز قبل از عید دست به اختصاب زده بودند مهس از عید نیز اختصاب خود را ادامه دادند. اما هنوز از نتایج این اختصاب خبری ندلرم.

صنایع پشم اصفهان یکی از کارخانه های مهم و معتبر کشور است. این واحد بزرگ صنعتی که از صنایع عده تهیه پارچه ایران است در تمام بیست و چهار ساعت به کار اشتغال دارد و کارگران با حقوقی که در شرایط امروز به هیچ وجه تکافوی زندگی ساده آن ندارند، در درجه شرفست یا سه نوبت هفت ساعت به کار گرفته می شوند. شرایط

کارآنان دشوار و دستمزدشان نا کافی است. صاحبان پشم اصفهان در اواخر سال گذشته ناگهان وضع شیفت بندی کارگران را به مجرد دستوراتی تعیین کردند که بر اساس آن مدت شیفت شب و مدت شیفت روز کار کنند. پایین - تصمیم برداشت استعمار کارگران افزوده شد. کارگران می باید مدت بازهم بیشتری وقت صرف رفت و آمد کنند و همواره در خدمت کارخانه باشند. عده ای از کارگران این وضع را تحمل نکرده و کارخانه را ترک کرده اند. غیبت این کارگران فشار کار را به کارگران باقی ر در کارخانه افزایش داده نمودی که در آخرین ماه های سال گذشته سرکار و مجبور بود به جای یک ماشین، صافو لیت و ماشین را به عهده بگیرد. این تکلیفی شاق و تقریباً تحمل ناپذیر بود. کارگران از صاحبان کارخانه خواستند حالاکه کار آن ها دیر با بر شده، دستمزد های آنان را به همان ترتیب بالا ببرند. به علاوه آن ها اعلام کردند که با توجه به سود سرسام آور کارخانه در سال گذشته و خوابان سه ماه سود ویژه و یاد آن شب عید هستند. و تا هنگامی که تقاضای آن ها به طور کامل تحقق نیابد دست از کار خواهند کشید. اختصاب کارگران از روز به عید مانده شروع شد. کوشش کارفرما به اشکال مختلف برای مخت کردن اختصاب به جایی نرسید. و پس از تحلیلات نهم روز نیز کارگران اختصاب از حضور در کارخانه خودداری کردند. این اختصاب در قمار فرود بین ماء اسال واحد صنایع پشم اصفهان را ملاحض کرد.

۱۶- اعتراض و استعنای جمعی از زندگان

نوبت آیین اصفهان

در نیمه اول فروردین ماه ۴۰۰ نفر از زندگان نوبت آیین اصفهان به عنوان اعتراض به کمی دستمزد و شرایط سنگین کار به طور جمعی استعنا کردند. زندگان درجه یک نوبت آیین روزانه ۰۰ ریال و سایر درجات ۲۴۵ تا ۳۰۰ ریال دستمزد می گیرند که برای تامین هزینه کمر شکن زندگی کافی نیست. در ضمن لباس کار و سایر مزایا نیز به آن داده نمی شود که خود موجب اعتراض زندگان است. به علاوه از زندگان روزانه دوازده صحت یعنی چهار ساعت انعامه کاری کمند و آنان مجبورند در جاده های محارناک با جان خود بازی کنند.

۱۷- اختصاب کارگران کارخانه لوله

و ماشین سازی ایسرا

کارگران این کارخانه از اوایل فروردین ماه دست به اختصاب زدند. اختصاب آنان مدت نوزده روز ادامه یافت و با موفقیت پایان پذیرفت. کارگران توانستند اضافه دستمزدی را که تقاضا می کردند کسب کنند.

۱۸- انتصاب کارگران بی. اف. اف. گودرید

در این کارخانه حدود ۲۴۰۰ کارگر در سه نوبت کاری کنند و در ساج بالا، از آگاهی و محبتی طبقه‌ای قرار دارند که نمونه آن انتصاب محدودی آن‌ها با کارگران انتصابی کارخانه لوله سازی است که در جاده کرج ریزوی کارخانه بی. اف. اف. گودرید قرار دارد.

انقضای ۲۱ فروردین کارگران بی. اف. اف. گودرید برای تقاضای خود نیز دست به انتصاب زدند. تقاضای این کارگران به شرح زیر بود:

- ۱- افزایش دستمزد به میزان سی درصد
- ۲- لغو تصمیم کارفرما دائر به افزایش سلامت کار روزانه از ۸/۵ به ۹/۵ ساعت
- ۳- لغو تصمیم کارفرما به بالا بردن واحد تولید در واحد زمان که موجب شدیدی به کسب از کارگران است
- ۴- لغو جریمه هفتگی که در برابر دستمزد ساعت یازده قیمت است

۵- متوقف کردن جریان اخراج کارگران با سابقه و استخدام کارگران جوان و تازه کار با دستمزد کمتر.

علی رغم حملات پلیم که بنجر به دستگیری چند تن از کارگران شد کارگران تا چندین هفته به مبارزه ادامه دادند.

۱۹- انتصاب کارگران کارخانه ارج

کارگران این کارخانه در اردیبهشت ماه دست از کار کشیدند. آن‌ها که دستمزد عیدی غذا و غذای دیگری کارخانه که پول آن از دستمزد کارگران کسر می‌شود را دریافت داشتند و استارسی بود شرابا کار بودند.

تاسیسات ارج پیش از سه روز کارگردارد. و اندامی محل پس از انجام از آغاز انتصاب کارخانه را محاصره کرد تا جلوی تا اهرات خیابانی کارگران و با حرکت دسته جمعی آنان راهسوی تهران بگیرد. شایع بود که کارگران برای چنین حرکت دسته جمعی آماده می‌شوند تا اعتراضات خود را به وزارت کار رسانند. محاصره کارخانه با واکنش شدید کارگران روبرو می‌شود. آنان از کارخانه خارج نشدند اما بالاخره موفق گردیدند که موافقت مدیریت کارخانه را پس برخی از تقاضای خود جلب کنند.

۲۰- انتصاب کارگران کارخانه بوتان گاز

کارگران کارخانه بوتان گاز که اکثر آن‌ها دستمزدی بین دوازده تا پانزده تومان در روز دارند، چندین بار دست به انتصاب زدند. آنان استارسی در صد افزایش دستمزد بودند. خبر شایع آن است که مدیران کارخانه با تقاضای کارگران موافقت کردند اما ساواک موافقت نکرد و خواستار شدت عمل شد. ساواک دستمزد ادکشمه کارگران انتصابی به عنوان کسانی که گویا به میل خویش کار خود را تمام کرده‌اند و اخراج شده به حساب آیند و هیچ حقی

به آن داده نشود. طبق دستور ساواک از اول خرداد ماه دستمزدی در کارخانه گذاشته شد که از نو کارگران انتصابی را اگر به سرکار بر نرند به عنوان کارگر جدید الهود اسم نهی می‌کنند. دستمزد جدید کمی بالاتر از دستمزد قبلی است اما همه سوابق و مزایای کارگران از میان می‌رود.

ما مطمئنیم که کارگران ایران برای مقابله با شدت عمل ساواک اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد و سازمان‌های پنهانی وطنی خود را باز هم بیشتر تحکیم خواهند کرد و به جوشباری خود خواهند افزود. شدت عمل سازمان امنیت نمی‌تواند در محیط‌های کارگری که در آن منابع سرمایه داران به طور مستقیم زیر سره قرار دارد موثر باشد و با هیچ گونه شدت عملی نمی‌توان کارگری را که ریزانه کمتر از بیست تومان دستمزد می‌گیرد و بیاز و سیب زمینی را کیلو پنجاه تومان می‌خرد به کار اجباری واداشت.

۲۱- انتصاب کارگران کارخانه چینی سازی مینا

کارگران این کارخانه واقع در شهر کلمه شهر تهران به عنوان اعتراض به شرایط نامناسب کار و این بودن دستمزد در اردیبهشت ماه دست به انتصاب زدند و به طور دسته جمعی برای مذاکره با مدیر کارخانه به جلوی ویلا آوردند. در آن جا تا اهرات وسیعی انجام گرفت و اما مدیر کارخانه با دعوت واندانم ۱۵ به جان کارگران افتاد. هم اکنون ویلا مدیره در دایمی زیر حفاظت مأمورین گشت واندانم قرار دارد.

۲۲- انتصاب کارگران کارخانه سیمان تهران

صدها کارگر کارخانه سیمان تهران چندین بار دست به انتصاب زدند. در اس‌خو است های کارگران ایجاب دستمزد قرارداد است زیرا برای مردم عادی و به ویژه زحمتکشان کشور با دستمزد های گزافی امکان زندگی حتی در بهترین ترین سطح توقع به سختی امکان پذیر است. قیمت ها علی رغم ادعای مقامات رسمی کشور با سرعت جنون آمیزی ترقی می‌کند و تمامی فشارها در حساب آخر بردوش کارگران و زحمتکشان است.

کارگران سیمان پس از آن که تمام تقاضای ایشان رد شد دست به آخرین حربه یعنی انتصاب زدند و امسال سوابق که در نوع انتصاب با سر نیزه رژیم خونخوار ساواک روبرو است و کارگران بر سر کارها بر شدند اما کم کاری کردند و آنگاه که امرار کارفرما از حد گذشت با سهل انگاری های عیدی باعث توقف تولید گردیدند. کارخانه عملاً از کار افتاد و کاملاً طغ کرد و در نتیجه در میزان تقاضای دستمزد تجدید نظر شد. سرانجام کارفرمایان مجبور شدند با سختی از خواست های کارگران موافقت کنند. اما به قرار اصلاح عیدی نیز دستگیر شدند.

بروئنتا را برای بدست آوردن قدرت ها که هیچ سلاح دیگری جز ساز و آواز می‌اندازد پس ندانند. اکنون

**۲۳- اعتصاب کارگران معدن نغال سنک تا بیرون**

کارگران معدن نغال سنک تا بیرون از صبح روز شنبه ۱۴ خرداد ادامه اعتصاب کرده و مصیبت را آغاز کردند. پیش از هزار کارگر معدن در این اعتصاب شرکت جستند. کارگران خواستار برقراری مجدد اضافه کار خویش بودند که ناگهان بدون دلیل قتل شده بود. باتوجه به هزینه سرسام آور روزانه زندگی و با توجه به قیمت های نامعقول - مایحتاج روزی از جمله مسکن و بهداشت و غذا، حمل و نقل و نیز با توجه به سطح بسیار ناازل دستمزد - کارگران این اضافه کار برای کلیه کارگران تقاضای دارند. کارگران برای برقراری مجدد اضافه دستمزد خود پیشنهاداتی به مسئولان معدن دادند اما اصرار و ابرام آنها با پاسی تفاوتی بین گفتنی کامل روبرو شد. چند تن از صندسان خود فروخته معدن که در واقع عدالت دولت هستند در کنار پیشبرد هدفی ای کارگران کارشکنی می کردند. سرانجام برای کارگران معدن نغال سنک که در سخت ترین و - خطرناک ترین شرایط کار هستند چاره ای جز اعتصاب باقی نماند. آنها با تشکیل و یک پارچگی کم نظیری اعتصاب خود را آغاز کردند. کلیه کارگران به اعتصاب پیوستند. اما ماموران خود فروخته دولت با پرخاش و تهدید و کارشکنی به مقابله با کارگران اعتصابی برخاستند. کارگران پس از این برخورد به شدت عصبانی شدند و واندارم ما به مصیبت افراد ویژه ساواک کارگران اعتصابی را زیر نظر قرار دادند. کارگران مصحانته برای تحقق خواست های حق خود تاجد ممکن به مبارزه یک پارچه و جدی خود ادامه دادند. تسمتی از نغال سنک، نوب آن آریامهراز معدن نغال سنک شامرو که نزدیکی شهر شاهرو در قرار دارد، تا همین می شود.

**۲۴- اعتصاب کارگران کوره بزرگانه های تهران**

۱۸ اردیبهشت ماه پنج تن از کارگران نوب آهن که برای انجام کاری غیر از تخصص خود در قایقی نشاند شده بودند و فرقی شدند. این خبر در روزنامه «انیزدج» شد ولی ادعا شد که گویا کارگران قصد تفریح با قایق داشتند اما واقعتاً حادثه این است که نه تن از کارگران نوب آهن طبق دستور شیبانی به پورهای دریاچه ای راکه ایشان نشاند شده بودند تا دیوارهای دریاچه ای راکه ایشان برای باشگاه از ما بهترین ساخته اند رفت کنند. قایق در حین کار بومی گرد و پنج نفر از نه نفر سر نشین آن غرق می شوند. باشگاه منزه با بودجه سازمان نوب آهن ساخته شده و قرار بود مادر فرج برای بازدید از آن بیاید. اما در همین وقت آب زاینده رود بالا آمده و کمی منظره آن را تخریب کرده بود. طبق دستور شیبانی کارگران ساختمانی و عده ای از کارگران سایر قسمت های نوب آهن را به محوطه باشگاه فرستادند و شب روز به کار وای دارند تا برای پذیرایی صادر فرج دیبا آمده باشد. در همین جریان بود که پنج تن از کارگران جان باختند. این حادثه باعث تاسف شدیدی در کارگران نوب آهن شده و در میان کارگران امشبان موجی از غمخشم برانگیخته است.

**۲۵- خبری از کارخانه پارس توشیبایی رشت**

این کارخانه دو هزار نفر کارگر و کارمند دارد. ۴ درصد سهام کارخانه و حدود ۵۰ درصد بیت کارخانه در دست سرمایه داران ژاپنی است که حاصل زحمات کارگران ایرانی را غارت می کنند. پیش از ۲۰ درصد کارگران کارخانه رازبان تشکیل می دهند که دست زدن آنان پیرا سه ماه کار پانزده تومان است. و کفرتزی پیدا می شود که دستمزدش به بیست و پنج تومان برسد. وضع کارگران مرد نیز تقریباً همین طور است. نهایتاً ادکی از آنان که کارشان به تخصص و نیروی بدنی بسیار زیاد نیاز دارد ممکن است پس از سه چهار سال سابقه به سی و پنج تومان در روز برسد. متوسط دستمزد در کارخانه کمتر از بیست تومان است. اغلب کارگران در خارج از شهر زندگی می کنند و چون کارخانه سرویس ندارد ماهانه ۹ تومان کرایه رفت و آمد می دهند. کرایه اتاق به طور متوسط سیصد تومان است و به این ترتیب از دستمزد هر کارگر ماهانه دست ناسیصد تومان برای تمام هزینه های دیگر باقی می ماند. در حالی که گوشت پخته زده کیلویی ۱۵ تا ۲۰ تومان و تخم مرغ کیلویی ۷ تومان و نان نامرغوب کیلویی ۱۴ ریال است. کارگران این کارخانه بیش از پیش به حقوق خویش آشناس می شوند و روحیه مبارزه جویانه گیتوش می یابد.

**۲۶- اعتصاب کارگران کوره بزرگانه های تهران**

عده ای از کارگران کوره بزرگانه های تهران روز سه شنبه ۱۴ خرداد ادامه دست به اعتصاب زدند و با دست داشتن پرچی در جلو از محل کوره ها به سمت سندیکا حرکت کردند. خواست کارگران اضافه دستمزد بود. سال گذشته و بعد از سرود ای زیادی که پیرامون تثبیت قیمت ها برپا شده قیمت آجر را به حساب کارکنان دستمزد کارگران کوره بزرگانه ها پایین آوردند که منجر به اعتصاب کارگران در اوایل مهرماه شد. اعتصاب با هجوم وحشیانه کوباند و نه ای ارتشی و مجری شدن عده ای و بازداشت عده ای دیگر از کارگران فرونشاند شد. اکنون که قیمت آجر دوباره بالا رفته و از نزاری ۱۲۶ تومان به ۲۰۰ نزاری تومان رسیده است کارگران در خواست می کنند که در دستمزد آن تا نیز تجدید نظر شود و متناسب با افزایش قیمت آجر بالا رود. از نتیجه اعتصاب هنوز خبری در دست نیست.

اختصاص مدرسه عالی سمنان

در آذرماه ۹۰ در مدرسه عالی سمنان اختصای سازمان داده می شود. پلیس به مدرسه عالی می ریزد و یادستگیری دانشجو تلافی کند اختصاصا بر سرکوب کند. به علاوه تم تحسینی را هم طوسی می کند. علت اختصاص این بوده که برخلاف پادشاه قبلی مدیریت تصمیم می گیرد که این مدرسه عالی را به وزارت آموزش و پرورش واگسته نماید و فارغ التحصیلان معلم شوند. دانشجویان زیربارنرفته خواستارند که مدرسه عالی سمنان وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی باقی بماند.

توقف پسران نیروی آبی در پادشاه

در حومه اصفهان و نیروی دانشگاه اصفهان منطقه نسبتا وسیعی است که محل سکونت مردمی است که از سال ۸۰ پیش در آن جا تکه زمینی خریده و در آن خانه ساخته اند. کمی بالاتر از این منطقه حدود یک سال است که یک پایگاه آبی ساخته شده و اکنون نیروی آبی به مالکان خانه های این منطقه فشار آورده که خانه های خود را به قیمت بسیار ارزان به نیروی آبی بفروشند تا در آن تیار افسران پایگاه مذکور قرار داده شود. چندین هزار نفر از اهالی محل به عنوان اعتراض به این اقدام در جلوی استانداری اصفهان جمع می شوند و خواستار لغو این تصمیم نیروی آبی می گردند اما ماموران پلیس آمدن شاه به مدت ۱۰ روز در آن جا مانده و سرپوشش و شتم تزار می دهند و متذکر می نمایند.

محسن یلفانی زیر شکنجه جلا در زندان است

محسن یلفانی نویسنده سرشناس و محبوب که مدتی است زندانی است هاپنک تحت شکنجه های سخت قرار گرفته و جلا در آن بر او فشارهای جسمی و روحی بسیار سنگینی وارد می کنند. جان محسن یلفانی هاین ادیب صاحب نام ایرانی و نویسنده نمایشنامه "آموزگار" که با آن همه استقبال گرم رهبر شده و در خطر است.

جلا در آن که همه مردم ایران همه روشنفکران ایرانی نسبت به توطئه ای که رژیم مغرور شاه و تبه کاران ساواک دیده اند، نهایت خشم و اعتراض و نفوس را بیان نمایند محسن یلفانی به همراهی نویسندگان و هنرمندان دیگری - محمود دولت آبادی، سعید سلطانی، ناصر رحمانی نژاد - توقیف و به حبس محکوم شده بود. اینک جلا در آن قصد جان ایرا کرده اند. باید کوشش شود دست جلا در قطع گردد.

مردم ایران! بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دغیمان شاه مبارزه کنید!

گزارشی از زندان قصر تهران

چندی پیش افراد گارد پلیس به بند ۸ ریخته و زندانیان سیاسی را به بندت مشروب و مجروح کرده اند به طوری که عده ای از آن ها به بیمارستان انتقال یافته اند. خانواده های زندانیان سیاسی که چند روز پیش از این بنام هجوم وحشیانه برای دیدار فرزندان خود رفتند جای زخم را بر سر صورت آن ها مشاهده کرده اند. بهانه این عطف در مضائقه آنها این بود است که مدیریت زندان طبق دستور سازمان امنیت می خواسته است - زندانیان سیاسی را مجبور کند تا در همه مواقع و حتی در موقع ملاقات با خانواده ها لباس مخصوص زندانیان را بپوشند. در حالی که چنمین چیزی هرگز در زندان های سیاسی رسم نبوده و شیوه پلیس آلمان فاشیستی در اردو و گاه های اسیران است.

رژیم ایران فاسقانه کترین حقوقی برای زندانیان سیاسی قائل نیست. شاه که شخصیت زبون و روحیه خصیصه کین دارد و هر وقت که دستن از همه جا کنیاه می شود می کوشد تا خشم خرد را با هجوم به زندانیان سیاسی که اسیر دست او هستند خاموش کند. اما به صورت جنشی انقلابی ایران روزه اوج می رود و این گونه جنایتکاری ها نمی توان راه آن را بست.

رادیوپیک ایران

بانک رسای طبقه کارگر ایران و وجدان بهدار همه آن نیروهای ایرانی است که در راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی صیمن ما مبارزه میکنند. رادیوی بیک ایران همه روزه بود و نوبت بر روی اوج کوتاه رادیو ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر از ساعت ۷ و از ساعت ۸/۵ بعد از ظهر به زبان فارسی برنامه پخش میکند. به آن گوش کنید و شنیدن آن را به عمقان توصیه نمائید.

برائند اخسن رژیم استبدادی و همدردی شاه خواست صرم همه مردم ایران است. حزب توده ایران از همه نیروهای همه فاشیستی و ضد دیکتاتوری دعوت میکند که برای مبارزه بر ضد رژیم گنشی در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری همکاری نمایند.

اسلحه کارگران مبارزات وسیع صنفی، سیاسی و طبقاتی است